

مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۱ اردیبهشت امسال در دیدار با دانشجویان در اولین بحث خودشان به مسئله مهم تحول‌خواهی و تحول‌آفرینی اشاره کردند. مراد ایشان از تحول یعنی ما به سمت تقویت مبانی و اصول انقلاب برویم



انقلابی به پاخاست...

در این شماره | می خوانیم...

صفحه ۲	بهار در بهمن	مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۱ اردیبهشت امسال در دیدار با دانشجویان در اولین بحث خودشان به مسئله مهم
صفحه ۳	نقش زنان در انقلاب	تجمع و اعتراضات مردمی از صبح امروز ۲۵ آبان در نقاط مختلف کشور شکل گرفت
صفحه ۴	جوان دانشجو	و سلام بر ابراهیم گمنامی که در عین گمنامی، پیداترین نور آشنای این روزهای ماست.
صفحه ۵	دیو و دلبر	می‌دانیم قبل از ورود به هر گروهی لازم است از جنبه‌های مختلفی آن را بررسی کنیم از جمله.....
صفحه ۶	گام دوم	چند صباحی بود که به نهمین ماه سال خورشیدی فکر می‌کردم و الان دقیقا در آخرین ماه فصل پاییز هستیم، آذر...
صفحه ۸	جهاد تبیین	چند صباحی بود که به نهمین ماه سال خورشیدی فکر می‌کردم و الان دقیقا در آخرین ماه فصل پاییز هستیم، آذر...
صفحه ۹	اعتکاف	چند صباحی بود که به نهمین ماه سال خورشیدی فکر می‌کردم و الان دقیقا در آخرین ماه فصل پاییز هستیم، آذر...

کلام شهید

جاذبه خاک به ماندن میخواند و آن عهدباطنی به رفتن، عقل به ماندن میخواند و عشق به رفتن... و این هر دو را خداوند آفریده است تا وجود انسان در آوارگی و حیرت میان عقل و عشق معنا شود.

سید مرتضی آوینی

بهار در بهمن

زینب موذن
دانشجو رشته علوم تربیتی



انقلاب نکردیم
که دوباره یخ
بزنینم. باید
یادمان بماند
انقلاب کردیم
تا انقلابمان
ادامه یابد...

نور باشیم، تفکرات سازنده را رقم بزنینم، ما انقلاب نکردیم یک گوشه بنشینیم و تماشا کنیم و با طعنه بگوییم که چه شد؟ انقلاب کردیم آزادی و استقلال و خودکفایی را ایجاد کنیم، انقلاب کردیم که انقلاب را ادامه بدهیم. انقلاب کردیم تا تلاش کنیم برای آرمان‌هایمان، و جامعه عمل ببوشانیم بر رویاهای دست نیافتنیمان.

بی نیاز نشدیم از راهبر، هنوز هم منبع نور می‌خواهیم.

درست است که بنیانگذار مکتبمان نیست، اما خامنه‌ای عزیزمان هست! وجودش گرما می‌بخشد در این زمانه‌ای که هر لحظه ممکن است دوباره منجمد شویم. باید قدر دانست، قدر گرما قدر اینکه کسی تحقیرمان نمی‌کند.

ما هنوز هم مبلغان نوریم،
هنوز هم انقلابمان تمام نشده.

نشست؟ آدم‌های عصر یخ‌زده شدند مبلغ نور. خانه به خانه دویدند و ندا دادند: بشکنید یخ وجودتان را! کنار بگذارید سرمایه تمام نشدنی را! می‌توانید انسان باشید، فکر کنید، آرمان‌خواهی کنید از زیر سلطه انسان‌هایی که مانع گذارند بیرون بیایید. شما می‌توانید خلیفه الله باشید. شما می‌توانید خالق نظامتان باشید و نقش داشته باشید. بی آنکه کسی از شما بخواهد یخ باشید. بشرط آن که انقلاب رقم بزنیند.

انقلاب زمانی است که آشفته می‌شویم انقلاب درونی‌مان رقم خورد، از انسان‌هایی یخ‌زده تبدیل شدیم به مبلغان نور و اما انقلاب بیرونی‌ای باید رخ می‌داد. اجدادمان تلاش کردند، رقم زدند رسید به ما که نسل سوم، چهارم، پنجم، ششم و... هستیم. انقلاب نکردیم که دوباره یخ بزنینم. باید یادمان بماند انقلاب کردیم تا انقلابمان ادامه یابد، رشد کند، بسازیم و ساخته شویم. مبلغ

یخ‌زده بودیم. دلگرمی‌ای نداشتیم. عصر یخ‌زدگان بیشتر شبیه بود تا عصر مدرنیته! چه دیده بودیم که دلگرم شویم؟ هیچ. ما یخ‌زدگان این عصر بودیم. آرمان‌ها و عدالت‌مان را خاک کردیم. آرزوی برابری‌مان را دفن کردیم. حتی اجازه نداشتیم فکرش را در سر بپرورانیم.

ما یخ‌زدگان زمان بودیم. ما را یخ‌زده می‌خواستند. ساکت و آرام بنوشیم، بخوریم و پول روی پول بگذاریم و هیچ. ما اجازه فکر کردن و خواندن و رویای آزادی و استقلال در سر پروراندن نداشتیم. ما اجازه حیوان بودن داشتیم اما اجازه انسان بودن؟ نه!

اجازه سکولاریسم داشتیم اما اجازه اسلام ناب محمدی نه! یخ‌زدگان ساکت‌اند، درگیری ندارند. جهان‌شان مسکوت و آرمان‌شان حیوانی است! این، فضا را برای امیال تمام نشدنی اربابان آماده می‌کند.

اما چه شد که شکستیم یخ زمانه را؟ طلوع فجر زمستانمان را بهار کرد. ماجرا از آنجا آغاز شد که مردی گرما آورد. گرمای درونی‌اش سرمایه وجودمان را برد.

نور و گرما این‌ها رویا بود پیش از آمدنش، اما حالا نقطه به نقطه در شهرها می‌چرخید. صدایش، کلماتش، سخنانش همه مملوء از نور بود و برکت روح خدا در وجودش بود. مهربانی و صلابت‌اش طیب دوار زمانه ساخته بود برایمان!

مگر می‌شود بعد ۱۴۰۰ سال این‌گونه اسلام در یک نفر جمع شود؟! آدم‌ها یکی پس از دیگری گرم شدند، قلب یخ‌زده‌شان بیدار شد! یادشان آمد که بودند و می‌توانند چه باشند. آزاد، مستقل، زیر سایه برترین دین، مگر می‌شد گرم نشد؟! مگر می‌شد با این اندوخته یک جا

نقش زنان در انقلاب

زهرا خسروآبادی
دانشجو رشته مشاوره

ایستاده‌اند، سلاح قلم را در دست می‌رقصانند و بر سفیدی‌ها و سرخی‌ها و سبزی‌های وطن و در راه تداوم و به سرانجام رساندن انقلاب اسلامی، حقیقت را مشق می‌کنند، زنانی که بر سکوه‌های قهرمانی قدم می‌گذارند و ارزش، قدرت و عشق را همزمان معنا می‌کنند و حتی زنانه در میدان جنگ تن به تن مدرن، از ارزش‌های اصیل ایرانی- اسلامی‌شان و جایگاه خانواده دفاع می‌کنند، زنانی که سال‌های سال است که با تأسی از حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) و زینب کبری(س) نه تنها انقلابی‌اند بلکه با روح و صبر عظیم خود، انقلاب سازند، سرمشق‌اند و الهام بخش؛ نه تنها برای ایران و ایرانی بلکه در جهان.

القصة، هرچند در این مسیر تاریخی پر پیچ خم، گاهی فراموش کردیم که در قدم قدم این طریق آرمانی و ارزشی و در سطر اول انقلاب، زن‌ها دوشادوش مردها ایستادگی کردند و می‌کنند و خواهند کرد؛ اما حالا وقت آن رسیده که این جمله‌ی گهر بار را بر دیوار تاریخ حک کنیم و صادقانه بپذیریم:

«اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۴/۰۲)



خیره خیره به تو زل نزده باشد، و اگر دل‌داده نباشی و سنگینی دل‌کندن را به وجود لطیفیت تحمیل نکرده باشی، فهمیدنش ساده نیست که هر لحظه قلبت را مچاله کنی و چشم‌ها را به خون دیده مزین و بغض انتظار را نذر آرامش بی‌سر و سامانی وطن کنی. اگر با گوشه چادر و روسری‌ات زخم‌ها را نبسته باشی و بوی خون و دود و باروت در مغزت دَوَران نکرده باشی، اگر از تنها شدن‌ها و دلاورانه جنگیدن برای ادامه‌ی حیات خانگی ویران شده‌ات زخم زبان‌ها به جان نخریده باشی، محال است قهرمانی یک زن را در سطور تاریخ انقلاب‌های امروز و دیروز و حتی فردا باور کنی. اگر از این سر دردناک داستان واقعی‌مان بگذریم، هنوز که هنوز است زنانی را می‌بینیم که در میدان علم و عمل سیاسی و اجتماعی

مردها همیشه سطر اول انقلاب‌ها ایستاده بودند. هر جا سخن از انقلاب اسلامی به میان آمد، از هزاران هزار مرد نام بردند، از آن‌ها خواندیم، شنیدیم، گفتیم و شناختیم.

اما میان بحبوحه مبارزات و جنگ و مقاومت، نقش زن‌ها و حضور مؤثرشان را گم کردیم و انقلاب اسلامی را یک حرکت سیاسی-ملی-مذهبی و اجتماعی مردانه خواندیم!

شاید تاریخ را خوب برایمان به تصویر نکشیده‌اند، شاید هم ما در مسیر ورق زدن تاریخ کوتاهی کردیم و به سرعت از به خاک و خون کشیده شدن هزاران زن شهیده و آزاده و جانباز و از میلیون‌ها قلب شجاع اما شکسته زنان مجاهد و گمنام گذشتیم.

و غرامت این ساده گذشتن‌ها این بود که فراموش کردیم در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی و حتی حین و بعد آن، زنانی بودند که قبل از هر چیزی مشوق فرزندان، برادران و همسران خود بودند و حتی هم قدم با آن‌ها مشت به آسمان می‌بردند و فریاد رسای زنانه‌شان و تظاهرات شور انگیزشان، سیلی محکمی بر گوش ظلم و استکبار بود و قهرمانی آن‌ها در صفوف نبرد، خاری در چشم دشمن.

زنانی بودند که از زندگی آرام و بی‌دغدغه و حتی آغوش مادرانه خود گذشتند و کوله بار دلتنگی را به دوش کشیدند. احتمالاً اگر مادر نباشی و طعم همسری را نچشیده باشی و بی‌قراری‌های شبانه دخترکت امانت را نبریده باشی، یا ثانیه به ثانیه نگاه گیرای پسرکت از قاب روی طاقچه

جوان دانشجو

زهرا یزدانی
دانشجو رشته مشاوره



امام خمینی(ره) در وصیت‌نامه‌ی خود تأکید می‌کند که روح انقلابی، روح حرکت به جلو، روح پیشرفت و روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد.

«اما معنای روحیه‌ی انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی میکند، گره‌گشایی میکند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت میکند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است؛ این روحیه‌ی انقلابی را باید حفظ کرد.» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۹۵/۰۸/۱۲)

خب با توجه به این تعاریف و اینکه ما خودمان را انقلابی می‌دانیم پس باید اهل عمل باشیم و گره‌گشایی کنیم. اما چرا هنوز مشکل داریم؟ و چرا نتوانستیم آنها را حل کنیم؟

«ما هرگز پنهان نکردیم، باز هم پنهان نمی‌کنیم که در بخش‌هایی هم عقب‌ماندگی داریم؛ عقب‌ماندگی‌هایی که به هیچ وجه قابل قبول نیست. در این عقب‌ماندگی‌ها مقصر

خود ما هستیم، خود ما مسئولین مقصریم؛ مردم هم در یک بخشهایی ممکن است دخالت داشته باشند. این عقب‌ماندگی‌ها باید جبران بشود؛ این به خاطر انقلابی عمل نکردن ما است. ما هر جا انقلابی عمل کردیم، عقب‌ماندگی نداشتیم، هر جا از انقلاب کوتاه آمدیم، یک حرکت غیر انقلابی و حرکت ناشی از کسالت و بی‌توجهی انجام دادیم، عقب‌ماندگی به وجود آمد.» (بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۹۹/۱۱/۲۹)

شاید لازم باشد کمی روی انقلابی بودنمان فکر کنیم!

«علاج مشکلات این کشور چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت، چه مشکلاتی که هر کشوری و هر ملتی دارد؛ بالاخره هیچ کشوری که بدون مشکل نیست- و حل این مشکلات، در گرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملت است؛ از درون ملت بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد؛ چشم‌ها، باز؛ روحیه‌ها با توکل به خدا و اعتمادبه‌نفس، قوی. اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌هایمان قوی

خواهد بود؛ هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی مدیریتی، هم در زمینه‌ی اداری. آنچه من بر روی آن تکیه میکنم روحیه‌ی انقلابی‌گری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید.» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲/۸/۹۵)

اما این انقلابی بودن چه شاخص‌هایی دارد؟ آیا ما معیارهای انقلابی بودن را داریم؟

«برای انقلابی بودن شاخص‌هایی وجود دارد. من پنج شاخص را در اینجا ذکر میکنم. البته بیش از اینها میشود خصوصیتاتی را گفت، لکن من فعلاً پنج شاخص برای انقلابی‌گری ذکر میکنم که ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم، هر جا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است، یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمیکند؛ این شاخص‌ها در همه‌ی افراد ما ملت ایران میتواند وجود داشته باشد. پنج شاخص که اینها را شرح خواهیم داد [عبارتند از]: شاخص یک: پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب.





دیو و دلبر

فرشته قلی پور
دانشجو، رشته علم و اطلاعات

ایران، کشوری است که حکومت و سلسله‌های زیادی را پشت سر گذاشته که در طول سال‌ها انواع حکومت‌ها در تاریخ آن ثبت شده است؛ در میان این حکومت‌ها، هم سلسله‌های کارآمد و هم متاسفانه سلسله‌های ناکارآمد وجود داشته که یا باعث شدند پایه‌های حکومت خودشان سست بشود و یا باعث ظلم و حقارت ملت ایران شدند. حکومت پهلوی هم یکی از همین حکومت‌ها بوده است.

خاندان پهلوی ظلم‌های زیادی به ملت ایران کرد؛ یکی از آن ظلم‌ها این بود که پهلوی اول، با اینکه جنگی در ایران رخ نداده بود، بخشی از سرزمین خود را به بیگانگان تسلیم کرد و ملت ایران را حقیر کرد. و این آسیب از آسیب به سرزمین جنگ‌زده هم بدتر بود.

همچنین پهلوی دوم که با امضای قراردادهای تحمیلی، کاری کرد که بیگانه بتواند در کشور دست به هر کاری بزند. بدون اینکه قانون بتواند مانعش شود؛ در اصل، شاه گرفتار غرب‌گرایی بیش از حد و تقریباً علیه ارزش‌های سنتی در ایران شده بود.

در حکومت پهلوی یکی از جنایاتی که هرگز قابل جبران نخواهد بود، جداسازی شخصیت‌های مهم و برجسته از ملت و دور از دسترس ساختن آنها چه با اعدام، چه با زندانی کردن و تبعید کردن بود. در دوران پهلوی دوم هم شخصیت‌های برجسته، یا سالها در زندان و تبعید بودند و یا به شهادت می‌رسیدند، شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله طالقانی که بیشتر

آن روحیه‌ی شور و نشاط و شوقی که دارد، یک حالت سؤالی داشته باشد؛ احیاناً اعتراضی داشته باشد؛ پیشنهادی داشته باشد. در محیط دانشگاه، اینها را بایستی تحمل کرد و پذیرفت. این، از جمله‌ی عواملی است که آن شور و نشاط را در آنها زنده، و آنها را همچنان دانشجوی ننگه میدارد.» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۰/۹/۲۰)

در نتیجه تمامی این مطالب، دانشجو باید دارای روحیه انقلابی باشد. یعنی دارای اقدام و عمل، کنشگر و دارای دیدباز نسبت به اتفاقات اطرافش باشد و مسئله را تشخیص داده و راه حل ارائه دهد. اما برای داشتن این روحیه باید با تقوا بوده و به مبانی و استقلال همه جانبه انقلاب پایبند باشد. اهداف انقلاب را در پیش بگیرد و از دشمن پیروی نکند. در نهایت همه اینها، ویژگی یک دانشجوی تراز اول انقلابی است که میتواند راهگشای مشکلات جامعه باشد.



این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است:

۱: پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب.

۲: هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها.

۳: پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور.

۴: حساسیت در برابر دشمن.

۵: تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است.



شاخص دو: هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها که آرمانهای انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همت برای رسیدن به آنها داشته باشیم. شاخص سه: پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی.

شاخص چهار: حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد.

شاخص پنج: تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است.

«این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است.» (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۹۵/۳/۱۴)

اما روحیه انقلابی در دانشجو: «روحیه‌ی انقلابی دانشجویان در دانشگاه نباید ضربه بخورد. آن عده ایی که بی‌تفاوتند، باید کاری بشود که به جهت‌گیری‌های انقلابی و نشاط انقلابی گرایش پیدا کنند؛ نه این‌که خدای نکرده به عکس شود و کارهایی انجام بگیرد که کسانی که روحیه و جهت‌گیری انقلابی دارند، یواش‌یواش به بی‌تفاوتی گرایش پیدا کنند؛ این خطر بسیار عظیمی است. ما نباید انتظار داشته باشیم که دانشجویجماعت، سیاست‌های دستگاه‌های اجرایی را به طور کامل و با همه‌ی وجود بپذیرد و قبول بکند. البته باید در مقابل سیاست‌های مسؤولان دستگاه‌ها تسلیم شد؛ در این شکی نیست. وقتی که دستگاه‌ها و مجریان کشور تصمیمی می‌گیرند، آن تصمیم برای افرادی که در محدوده‌ی کار آنها هستند، واجب‌الاطاعه است؛ اما باید این حق را به آن دانشجو داد که به مقتضای جوانی و به مقتضای



گام دوم

معصومه شیخ اکبری
دانشجو رشته مشاوره

ملت ایران پس از گذشت چهل سال هنوز به آرمان‌های خود معتقد هستند و به راه خود ادامه می‌دهند. در دنیا کمتر انقلاب اتفاق می‌افتد و انقلاب‌هایی هم که رخ داده است از آرمان‌های اولیه خود فاصله گرفته‌اند و اصطلاحاً استحاله شده‌اند. ملت ایران پس از گذر از سال‌های بسیار سختی همچون: جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، خیانت‌ها، تحریم و... مقتدر و پرتوان به راه خود ادامه داده‌اند. این انقلاب بیشتر بر دوش جوانان این مرز و بوم بوده است؛ چه نسل اول انقلاب که با میانگین بیست سال انقلاب را به پیروزی رساندند. چه حالا که باز هم بار سنگین ادامه این انقلاب بر دوش جوانانی پرشور، خلاق، مستعد، بانگیزه و معتقد است.

به واسطه رخ دادن انقلاب اسلامی به حکومت استبدادی پایان داده شد و زمام امور به دست مردم و به ویژه جوانان قرار گرفته شد و آنان با تکیه بر خود و عمل به شعار «ما می‌توانیم» وارد میدان شدند و شروع به آبادانی ایران کردند. جوانان ایرانی از زمان انقلاب تا به امروز با ایجاد زیرساخت‌ها و رشد و توسعه در زمینه‌های فناوری و دانش بنیان و اقدامات عمرانی گام‌های موثری در جهت آبادانی ایران برداشته‌اند.

امام خامنه‌ای گام دوم انقلاب را ترسیم نموده‌اند و روش صحیح ادامه راه را به ملت بزرگ ایران نشان داده‌اند.

ایشان خطاب به جوانان می‌فرمایند، در گام دوم انقلاب ابتدا باید گذشته را به طور دقیق بررسی کرد و به شناخت رسید و باید از تجربه‌ها درس گرفت.

و با قدرتی که داشت توانست نزدیکان خود را به سمت‌های مختلفی منصوب کند تا حدی که یکسری از سمت‌ها را حتی خود شاه هم مخالف آن بود. اما برای او اهمیتی نداشت که بخواهد جلوی این ماجرا بایستد.

در نهایت دخالت فرح و خانواده‌اش فسادهای زیادی را به ارمنان آورد. فرح آزادانه هر پولی که میخواست به دوستان و آشنایان خود میداد و با همین روش مقدار زیادی از پول‌های دربار را خرج کارهای خود کرد.

بدین گونه بود که این دو در کنار هم به ظلم و حقارت مردم ایران پرداختند و حکومت ظالمانه و تحقیرآمیزی را به ارمنان آوردند؛ البته که این اتفاقات، تنها گوشه‌ای از ظلم و غارت‌های آن‌ها است که همین عوامل باعث شد مردم ایران خواستار رفتن شاه بشوند و منتظر آمدن منجی‌ای شدند که بیاید و با کمک آن آزادی عمل و هویت ایرانی‌شان را پیدا کنند و بسیار برای این اتفاق تلاش و جهاد کردند و در نهایت وعده خدا محقق شد:

جاء الحق و زهق الباطل، انّ الباطل كان زهوقا

عمر سیاسی- اجتماعی را در زندان به سر برد. در دولت پهلوی ۹۷ درصد نمایندگان مجلس را نیروهای جهان وطنی تشکیل میدادند، کسانی که معتقد به وطن خودشان یعنی ایران نبودند و اعتقاد داشتند که باید برای وطنی بزرگتر یعنی کشورهای غربی خدمت کرد.

یکی دیگر از آسیب‌های حکومت پهلوی، تضعیف چهره اسلام و شیعه بود؛ شاه دائماً به شیعیان و روحانیان اهانت و هتک حرمت می‌کرد که همین عامل باعث شده بود مخالفان ویژه‌ای پیدا کنند. او سعی در تخریب اسلام به هر شکلی داشت و احترامی برای مذهب‌یون قائل نبود.

درست است که تا حدی آزادی بیان وجود داشت، اما جوانان کشور نمی‌توانستند انتقاد کنند. چون از عواقب شدید آن می‌ترسیدند و به تبع اجازه دخالت در مسائل سیاسی هم نداشتند. همچنین افشای فساد گسترده مالی خانواده سلطنت باعث بی‌اعتمادی در بین مردم شد.

محمد رضا پهلوی، همسران متعددی داشت، اما همسر آخر او، فرح دیبا با زیرکی تمام توانست در سیاست‌های کشور دخالت کند، او با کارهای فساد آمیز خود به کشور و حتی همسر خودش خیانت کرد





اگر از این راهبرد غفلت شود دروغ‌ها به جای حقیقت خواهد نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. ایشان با تبیین سرفصل‌هایی مثل دوگانه اسلام و استکبار، برای بزرگ انقلاب، ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، موتور پیشران علم و فناوری، به اوج رساندن مشارکت مردمی و ارتقاء بینش سیاسی مردم، همه جانبه کردن عدالت، ایستادن روزافزون در مقابل مستکبران و زورگویان جهان، به تبیین گام دوم انقلاب می‌پردازند. و بیان می‌کنند که نیروی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور است. و جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند.

اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران: اگر در گذشته با تعطیل کردن سفارت رژیم صهیونیستی و تسخیر لانه جاسوسی با استکبار مبارزه می‌کردیم، اکنون به پشت مرزهای اسرائیل رسیده و با کمک به نیروهای مقاومت به دنبال بیرون کردن آمریکا از خاورمیانه و غرب آسیا هستیم.

علم و پژوهش: دانش آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی توانایی است. ایشان می‌فرمایند تاکنون به پیشرفتهای بزرگ و شگرفی در حوزه دانش و علم و فناوری نائل شده‌ایم، اما این تنها یک آغاز بوده است و ما از دانش جهانی عقب هستیم و جوانان باید با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد عقب‌ماندگی‌ها

را جبران کرده و همچون شهدای هسته‌ای به پا خیزند و دشمن را با جهاد علمی خود ناکام سازند.

معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است. اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی همچون خیرخواهی، گذشت، کمک به خود و دیگران، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکوست.

البته بسط و گسترش اخلاق و معنویت با دستور حکومتی به دست نمی‌آید. ولی حکومت باید زمینه را فراهم کند تا نهادهای اجتماعی در این زمینه فعالیت کنند و با کانون‌های ضد معنویت به شیوه معقول مبارزه نمایند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق قرار داده‌اند که دل‌های پاک جوانان و نوجوانان ما را مورد تهاجم قرار داده‌اند. دستگاه‌های حکومتی در این خصوص وظایف سنگینی دارد و باید با برنامه‌ریزی و به شیوه صحیح با آنها مقابله کنند.

اقتصاد: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. تاکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت است و توزیع آن عدالت محور است، معرف مصرف به اندازه بدون اسراف است. مناسبات مدیریتی خردمندانه است، مهم‌ترین عیب اقتصاد ما اقتصاد متکی به نفت است که باید در اقتصاد مقاومتی و اقتصاد درون‌زا و تولید

داخل با آن مقابله کرد. باید بدانیم راه‌حل بهبود اقتصاد کشور، داخلی است و اینکه عده‌ای فکر می‌کنند راه حال از خارج یا رفع تحریم است. تحلیلی سراپا غلط است.

عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. فساد غده‌ای چرکین است که اگر در نظامی عارض شود، مشروعیت آن را زیر سوال می‌برد. مأموران نظام اسلامی باید پاک دست و منیع‌الطبع و به دور از فساد باشد و با قاطعیت و حساسیت با فساد مبارزه کنند. باید با تبعیض و ویژه‌خواری به شدت مبارزه کرد ولی آنچه تاکنون اتفاق افتاده با آنچه باید باشد فاصله ژرف دارد.

استقلال و آزادی: استقلال به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است. همچنین استقلال نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی ما هستند.

سبک زندگی: سخن در این باره بسیار است. تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما وارد کرده است.

مقابله با آن جهادی همه جانبه و هوشمندانه را می‌طلبد که بازهم چشم امید ما به جوانان است.

جهاد تبیین

یعنی مقابله با تحریف واقعیتها



جهاد تبیین

الهام تات اسدی
دانشجو رشته روانشناسی

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند؛ آن‌ها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند.

آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می‌کنند، با آنکه در کلام خود تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند! « این دشمن، امروزه در جریان ضد انقلاب و منافقین و رسانه‌های تابع آن قرار دارد و هدف آن از این عملیات روانی مثل یأس، نفرت پراکنی از ایران، اعتماد زدایی و... ایجاد آشوب و از بین بردن اتحاد جامعه اسلامی در ایران است.

پس جهاد تبیین در یک سو به معنی تقابل عملیاتی با جریان رسانه‌ای دشمن، و در سوی دیگر و عام‌تر خود به معنی تبیین حقایق به صورت کلی و صحیح است تا مردم از اهداف اسلامی دور نشوند و محقق ظهور امام زمان عجل الله شوند.

و در پایان متوجه شدیم که جهاد تبیین، جهاد اصلی این روزگار، کوششی است که وسیله آن، رسانه‌ها و هدف آن، پرده‌برداری از بازی‌های روانی دشمن و بیان حقایق برای آماده‌سازی جامعه برای ظهور است.

ان شاء الله که خداوند ما را سربازان عظیم این روزگار که جهاد تبیین است، قرار بده.

خمینی (ره) در سال ۵۷ است؛ جهاد تبیین، جهادی که از بعد از جنگ تحمیلی از مهم‌ترین راه‌های دفاع از خاک و کشور در برابر دشمن است، جهادی که یک فریضه‌ای قطعی و فوری است. و باید هر چه سریعتر به آن عمل کرد. اما قبل از عمل به آن باید کامل با این مفهوم آشنا شود که جهاد تبیین چیست؟ جهاد تبیین، یعنی جهادی که غایت و هدف آن تبیین است؛ کلمه تبیین در مقابل کلمه حجاب و پرده افکنی قرار دارد و به معنی بیان حقایق است. پس جهاد تبیین، جهادی است که باعث بیان و روشن شدن حقایق می‌شود؛ حقایقی که رسانه‌های غربی باعث پرده افکنی بر آن شده‌اند.

با این تعریف متوجه می‌شویم که در حال حاضر عمل به این جهاد از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد و تمرکز عمده‌ای بر روی آن است. رسانه‌ای که باید مقابل دشمنی بایستد که در عملیات و جنگ روانی تمام تلاش خود را برای پیشبرد اهدافش به کار می‌گیرد. حتی در قرآن در آیه ۵۷ سوره بقره می‌فرماید: فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ «گروهی از

«جهاد» این کلمه چهار حرفی که ما را به یاد سال‌های ۵۷ به بعد و میدان جنگ و تانک و تفنگ می‌اندازد. در ذهن اکثریت ما با آمدن واژه جهاد، همین مفاهیم تداعی می‌شود؛ اما واقعا جهاد به همین تعریف محدود می‌شود؟ در رساله آموزشی حضرت آقا به خوبی بیان شده که جهاد به معنی تلاش و مبارزه‌ایست که برای دعوت به اسلام و بسط و گسترش آن و یا در جهت دفاع از تجاوز دشمن صورت می‌گیرد. پس با این تعریف متوجه می‌شویم که جهاد تعریفی فراتر و بیشتر از شرکت در جبهه جنگ دارد و به هر تلاش و مبارزه‌ای که برای دعوت به اسلام و یا با هدف نابودی دشمن صورت بگیرد، جهاد گفته می‌شود؛ اما این روزهایی که زندگی انسان‌ها بر مدار فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌گردد، تکلیف چیست؟ آیا جهاد در این زمان تعطیل می‌شود؟

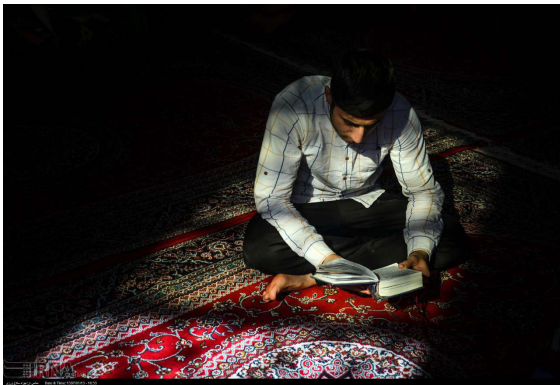
حضرت آقا در پنجمین روز از مهر سال ۱۴۰۰ در سخنرانی اربعین حسینی، مردم و علی‌الخصوص جوانان را به جهاد فراخواندند، جهادی که از سر و شکل آن مشخص است، جنگ مسلحانه با دشمن نیست و نیازمند عملی متفاوت‌تر از سربازان امام

اعتکاف

زینب ظلی
دانشجو رشته علوم تربیتی

برکات جمع‌های مومنانه است. مومنین آگاه باید با حضور خود کنار یکدیگر، در جامعه به تبیین این مسائل برای مردم پردازند و هیچ موضوعی نباید باعث تعطیل شدن جمع‌های مومنانه شود. حتی در شرایط امروز و با وجود ویروس منحوس کرونا مومنین باید این مطالبه‌گری را داشته باشند که با رعایت قوانین و دستورالعمل‌های بهداشتی به جمع‌های مومنانه ادامه دهند و در کنار یکدیگر برای برطرف شدن این بلا در سطح جهان دعا کنند. وظیفه ادامه یافتن جمع‌های مومنانه بر عهده خود مردم و مومنین است. غفلت از آثار و برکات این امر قطعاً اثرات نامطلوبی بر جامعه اسلامی خواهد گذاشت. باشد که عامل به وظیفه اجتماعی خود در جامعه باشیم و مسئولیت هویت دینی خود را بپذیریم و در این مسیر از پای ننشینیم.

یکی از مهم‌ترین مولفه‌های هویتی دین مبین اسلام جمع شدن مومنین کنار هم و انجام مناسک و برگزاری مجالس دینی و معنوی می‌باشد. دین اسلام به عنوان یک مکتب فکری انسان‌ساز، در کنار اهمیت به فردیت انسان به اصالت جامعه و جمع می‌پردازد و حیات خود را از کنار هم بودن مومنین و شیعیان می‌گیرد. مراسم معنوی اعتکاف که با هدف خلوت مومنین با خدای خویش و تفکر در باب اعمال و رفتار خود برگزار می‌شود، در یک جمع مومنانه و در مکان مسجد شکل می‌گیرد. خداوند می‌خواهد مومنین زیر سقف خانه خودش در کنار یکدیگر جمع شوند، و به عبادت و اعمال دسته جمعی پردازند. چرا که این موضوع آثار و برکات بی‌بدیلی هم در جامعه و هم بر تک تک افراد شرکت کننده دارد و بزرگ‌ترین اشتباه همین غفلت از آثار و



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی

ویراستار: ثنا سنجری

طراح و صفحه آرا: نعیمی پور

سردبیر: خانم اسدی

مدیر مسئول: علی صدیق پور

 sahba_atu

 sahba_atu

مارا در فضای مجازی دنبال کنید: